

## نشانه‌شناسی موج سوم خلافت‌خواهی: مبادی و پیامدها

فرامرز میرزا زاده<sup>۱</sup>

استادیار و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۸



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های یابی جهان اسلام

۲۹

نشانه‌شناسی  
موج سوم  
خلافت‌خواهی

### چکیده

ظهور برق‌آسا و همراه با خشونت گروهی تحت عنوان داعش که ادعای خلافت‌خواهی جهان اسلام را داشت، شوک عظیمی بر همگان وارد کرد. به دلیل روش و دیدگاه خشونت‌بار داعشی‌ها، این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که ظهور این جنبش، ذاتی جهان اسلام است یا ساخته و پرداخته قدرت‌های بزرگ با هدف ترسیم چهره منفی از اسلام؟ فرضیه مقاله حاضر این است که داعش ارتباطی با اسلام واقعی ندارد ولی مبدأ شکل‌گیری خلافت‌خواهی را مستور در داخل جهان اسلام می‌داند: کارکرد نامناسب حاکمان سیاسی و عدم رضایت مردم از شرایط حاکم که قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانتقه‌ای از آن بهره‌برداری سیاسی کرده و آن را تقویت می‌کنند. برای تبیین این فرضیه، از نظریه نشانه‌شناسی استفاده کرده، و با بررسی نگاهی تاریخی، به خلافت‌خواهی نهفته در بطن اسلام سنی می‌پردازیم. در این روند، ضمن بیان چگونگی شکل‌گیری داعش، نشانه‌های تطابق آن با دو دوره قبلی خلافت‌خواهی سنجیده شده و قرابت‌های نمادی، ماهوی و ساختاری داعش با خلافت‌های پیشین برشمرده شده است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد خلافت‌خواهی داعش از درون نابسامانی‌ها و ضعف مدیریت حاکمان سیاسی جهان اسلام سنی سرچشمه گرفته و توانسته با نمادهای ماندگار و اثرگذار خلفای پیشین، به جذب نیرو پرداخته و با اتکای به آن، کل جهان اسلام را فرا بگیرد.

**واژه‌های کلیدی:** خلافت‌خواهی، نشانه‌شناسی، داعش، مبادی، پیامدها.

## مقدمه

ظهور، نفوذ و گسترش داعش در بین جوانان مسلمان موجب شد تا سرکرده آن، ابوبکر البغدادی، در سخنرانی خود پس از ورود به موصل، اعلام خلافت کند. این اقدام نشان می‌دهد که اولاً، داعش به یک پشتوانه قوی نیروی انسانی متکی است که از درون جهان اسلام جذب خود کرده است. ثانیاً، خود را دولتی عاجل نمی‌داند که فقط به صورت آرمانی دعاوی‌ای را طرح و عده‌ای را مشغول خود کرده باشد. ثالثاً، نه تنها بر تاریخ و شرایط کنونی جهان اسلام اشراف دارد بلکه می‌داند چگونه با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به تعامل بپردازد تا بتواند بر تثبیت و تقویت جایگاه خود بیافزاید. همه این‌ها نشان می‌دهد که این پدیده نیازمند مطالعه جدی است.

در این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال هستیم که مبادی و پیامدهای خلافت داعش چیستند؟ برای یافتن پاسخ این سؤال به تبیین این فرضیه پرداخته‌ایم که الف: مبدأ اصلی شکل‌گیری داعش نارضایتی‌های داخلی جهان اسلام هست که برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای آن را تقویت کرده‌اند. و ب: پیامدهای اصلی این خلافت‌خواهی ابتدا متوجه نظام جمهوری اسلامی ایران و در نهایت کل جهان اسلام است که چهره‌ای خشن از اسلام ارائه می‌دهد. از این‌رو، برای تبیین این فرضیات به نظریه نشانه‌شناسی متوسل شده و پیامدهای تثبیت و ماندگاری احتمالی خلافت خواهی داعش را طرح و بحث کرده‌ایم.

در ادامه بحث، ابتدا نظریه نشانه‌شناسی را طرح می‌کنیم، سپس ریشه‌های ظهور داعش را بررسی کرده و رابطه آن با خلافت‌خواهی را به بحث می‌گذاریم تا با برشمردن نشانه‌های خلافت خواهی داعش بتوانیم مبادی و پیامدهای آن را تبیین نماییم.

## چارچوب نظری

علی‌رغم این‌که علم نشانه‌شناسی سابقه طولانی دارد اما هنوز از جایگاه لازم در تحلیل‌های علمی برخوردار نیست. ارتباط آن با زبان‌شناسی و رسانه دایره شمول آن را محدود به این دو حوزه نموده است. این در حالی است که می‌توان در حوزه‌های دیگر پژوهشی از ظرفیت‌های آن بهره برد. با واژه نشانه، از یونان باستان، زمانی که یونانیان آن را مترادف با «نمایه» یا «عارضه» به کار می‌بردند، آشنا هستیم. از این تاریخ به بعد، رد پای این واژه را (البته در معنایی



وسیع‌تر) در متافیزیک نوافلاطونی و مسیحی، و به‌ویژه در آثار آگوستین قدیس، توماس هابز، جان لاک، لایبنتز، برکلی، هیوم، لامبرت، ادموند هوسرل و ... می‌یابیم. در زمانه ما، زمانی که از نشانه‌شناسی سخن گفته می‌شود، افزون بر تأکید بر وجه روان‌شناسی آن، بر وجه علمی آن به‌عنوان کوششی برای مطالعه نقش نشانه‌ها نیز تأکید می‌شود و عرصه‌های زبانی و غیرزبانی را شامل می‌شوند؛ بنابراین، نشانه‌شناسی معاصر به «انسانیت» توجه نشان می‌دهد (تاجیک، ۱۳۸۹: ۱۱).

نشانه به یک شیئی، رخداد، کنش، فرایند تکرار، حالت‌ها، یک موقعیت عاطفی و نظایر آن اشاره دارد. این نشانه‌ها ممکن است واقعی یا تخیلی باشند (یوهانسون و لارسن، ۱۳۸۸: ۵۷). فرد به‌وسیله همین نشانه است که هویت خود و تعلق خود به گروه را آشکار می‌کند، اما در عین حال او مدعی آن هم هست و آن را نهادینه می‌کند. با این حال، نشانه همواره با قصدی دائر بر انتقال معنا همراه است. اما این قصد می‌تواند کاملاً ناآگاهانه باشد؛ و این چیزی است که قلمرو نشانه‌شناسی را به‌طور قابل ملاحظه‌ای گسترش می‌دهد (گیرو، ۱۳۹۲: ۴۰). به بیان چارلز ساندرس پیرس<sup>۱</sup> نشانه «چیزی است که با شناسایی آن می‌توانیم چیزهای بیشتری را بدانیم» (یوهانسون و لارسن، ۱۳۸۸: ۵۵). بدین ترتیب، نشانه در صورتی که نتواند به نشانه دیگری ترجمه شود که در آن کمال یافته‌تر باشد، نشانه نیست.

با این اوصاف، نشانه‌شناسی عبارت است از مطالعه نشانه‌ها و فرایندهای تأویلی (گیرو، ۱۳۹۲: ۱۴۳). بنابراین، در نشانه‌شناسی با تأویل و تعبیر سر و کار داریم. در واقع، نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل متن است، اما به دنبال تحلیل متون در حکم کلیت‌های ساخت‌مند و در جست‌وجوی معناهای پنهان و ضمنی است (چندلر، ۱۳۹۴: ۲۹). به بیان دریدا، نشانه علامتی برای یک حضور غایب است که به‌جای حاضر کردن ابژه به‌کار می‌رود (تاجیک، ۱۳۸۹: ۳۱). نکته دیگر درباره نشانه این است که آن‌ها ماهیتی قراردادی دارند. علائم و نشان‌های نشانه‌شناختی را که قراردادی‌اند می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد: ۱- «آرم‌ها»، «پرچم‌ها» و «توتم‌ها»؛ ۲- «یونیفرم‌ها»؛ ۳- «نشان‌ها» و «مدال‌ها»؛ ۴- «آرایش‌ها» و «مدل‌های مو»؛ ۵- «نام‌ها» و «القاب» و ۶- «شاخص‌ها» (گیرو، ۱۳۹۴: ۱۲۰-۱۱۷).

اگر نشانه‌شناسی را همانند سنت زبان‌شناس سوئیسی یعنی فردیناند دو سوسور، و

1. Charles Sanders Peirce

برخلاف سنت پیرسی، «بخشی از زندگی اجتماعی» (چندلر، ۱۳۹۴: ۲۵) بدانیم و باور داشته باشیم که برخلاف رویکرد انتزاعی نشانه‌شناسی در گذشته، نگاه نشانه‌شناسی فرهنگی به همانندی‌ها و هم‌گرایی‌های موجود میان نظام‌های دلالتی گوناگون در فرهنگ‌هایی است که هنوز زنده‌اند (همرشتینگل، ۱۳۹۲: ۱۰۳)، می‌توانیم با تحلیل نشانه‌شناختی ظهور و حضور داعش در منطقه به چستی و اهداف آن پردازیم.

چون بر این باور هستیم که نشانه‌شناسی، به بیان محمد عابد الجابری، «قیاس غایب بر شاهد» (جابری، ۱۳۸۹: ۴۷۱) در راستای هویت‌بخشی به خود است پس می‌توانیم تلاش داعش را در استفاده از نشانه‌هایی که در دو موج خلافت قبلی، به‌خصوص خلافت عباسیان، رایج بوده مبنای هویت‌یابی و مشروعیت‌بخشی‌اش تلقی کنیم. بنابراین، در این تحقیق تلاش شده است تا نشانه‌ها و علائمی که در طول تاریخ خلافت‌خواهی بارز و برجسته شده‌اند و در خاطره و باور اهل سنت نمادی از قدرت و هویت مسلمان سنی مذهب است را در تطبیق با نشانگان و رمزگان مورد استفاده داعش رمزگشایی کنیم. لازم به ذکر است که با گذر زمان و مشخص شدن نیت و اهداف داعش کارکرد و اثر برخی از نشانه و شاخص‌ها منخوش و گاهی عملکرد معکوس داشته باشد. به عنوان مثال، لقب «الحسینی» در عنوان ابوبکر البغدادی القریشی الحسینی در همان ماه‌های اول اعلام خلافت نه تنها شهروند شیعی را به خود جذب نکرد، بلکه ابزاری بودنش بر مخالفت شیعیان افزود.

### ریشه و زمینه ظهور داعش

ریشه داعش به نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی بازمی‌گردد؛ از بازماندگان القاعده عراق که در سال ۲۰۰۳ تأسیس شده (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۰۱) و از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ سازمان یافته و تا سال ۲۰۱۴ رشد کرده است. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ فرصت و فضای مناسبی را برای حضور و نقش‌آفرینی گروه‌های تروریستی مختلف از جمله گروه‌های مرتبط با القاعده در این کشور به وجود آورد. بر این اساس گروه‌های مسلح مختلفی، به‌خصوص در سال‌های پس از ۲۰۰۴، در عراق ظهور کردند که با جذب نیرو و منابع مالی در تلاش بودند با نیروهای نظامی آمریکایی و همچنین نیروهای عراقی مقابله کنند. یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها الجماعه التوحید و الجهاد بود که به رهبری ابومصعب الزرقاوی در سال ۲۰۰۴ تشکیل شد. پس از آن‌که زرقاوی بیعت خود را با اسامه بن لادن، رهبر القاعده اعلام کرد، به تنظیم «القاعده فی بلاد



الرافدین» پرداخت (نبوی و نجات، ۱۳۹۳: ۱۵۲). به این گروه القاعده عراق نیز اطلاق می‌شد. در واقع، زرقاوی بعد از آزادی از زندان در اردن در سال ۱۹۹۸ رهبر بخشی از داوطلبان جهادی در افغانستان را بر عهده داشت؛ اما در سال ۲۰۰۱ از این کشور به شمال عراق فرار کرد و در آنجا به گروه انصار الاسلام پیوست و سپس با ایجاد القاعده عراق، وفاداری خود را به رهبری شبکه جهانی القاعده بیان کرد (عباسی، ۱۳۹۳: ۹۹). القاعده عراق به تدریج تبدیل به اصلی‌ترین گروه تروریستی در عراق شد و بیشترین انفجارها و اقدامات تروریست را انجام داد. این تشکل عملیات تروریستی خود را به اندازه‌ای افزایش داد که به یکی از قوی‌ترین گروه‌های مسلح در صحنه عراق مبدل شد و شروع به گسترش نفوذ خود در مناطق گسترده‌ای از عراق کرد تا این‌که در سال ۲۰۰۶ زرقاوی آشکارا در نواری ویدئویی تشکیل آنچه را که «شورای مجاهدین» خواند، اعلام کرد. زرقاوی در همان سال و در پی حمله هوایی نیروهای آمریکایی کشته شد و القاعده عراق در اثر تصمیم قبایل سنی عراق برای پیوستن به آمریکائی‌ها در جنگ علیه جهادگرایان تا مرز نابودی کامل پیش رفت (Foreign Affairs, April 2015). اما این گروه مجدداً در زندان‌های تحت کنترل آمریکا در عراق خود را احیا کرد: جایی که شورشی‌ها و عاملان حملات تروریستی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و شبکه‌ای یکپارچه را تشکیل دادند.

از لحاظ سازمانی، پس از کشته شدن زرقاوی، ابوحمزه المهاجر به سرکردگی شورای دولت اسلامی عراق تعیین شده و در پایان همان سال «دولت اسلامی عراق» به سرکردگی ابوعمربغدادی شکل گرفت. نظامیان آمریکائی در عراق، در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰، طی عملیات نظامی گسترده در منطقه الثوئار منزلی را هدف قرار دادند که ابوعمربغدادی و ابوحمزه المهاجر در آن حضور داشتند. پس از درگیری‌های شدید این دو سرکرده کشته شدند. شورای دولت اسلامی عراق یک هفته بعد در بیانیه‌ای مرگ البغدادی و المهاجر را رسماً اعلام کرد و پس از حدود ۱۰ روز، مجلس شورای دولت اسلامی عراق تشکیل جلسه داد و ابوبکر البغدادی را به‌عنوان جانشین ابوعمربغدادی انتخاب کرد (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۰). دولت اسلامی عراق، هرچند در این دوره در مرحله ضعف قرار داشت اما بحران سوریه فرصت‌های جدید در اختیار این گروه قرار داد و البغدادی با بهره‌گیری از آن به جایگاه عمده‌ای در معادلات عراق و سوریه دست یافت.



گروه القاعده در عراق، در سال ۲۰۱۱ و با شروع اعتراضات علیه دولت بشار اسد و تبدیل شدن ناآرامی‌ها به درگیری‌های داخلی تمام‌عیار از آشفتگی سوءاستفاده کرده و سرزمین‌هایی را در شمال شرق سوریه اشغال و آنجا را به مرکز عملیاتی تبدیل کرد و نام خود را به «دولت اسلامی عراق و شام» (داعش) تغییر داد. داعش ابتدا با ایمن‌الظواهری بیعت کرد و با جبهه النصره متحد شد، اما در ماه می ۲۰۱۴ از النصره جدا شده و سپس از القاعده نیز فاصله گرفت و در ماه آگوست ۲۰۱۴ اعلام خلافت کرد.

### خلافت؛ نظام سیاسی تاریخی اهل سنت

هرچند خلافت در مفهوم سیاسی آن در آیات قرآنی به کار نرفته و در سیره پیامبر اسلام (ص) نیز چنین کاربردی نیافته است اما از زمان وفات پیامبر و در جریان سقیفه بنی‌ساعده تبدیل به سیاسی‌ترین واژه در جهان اسلام شد. زمانی که خلیفه دوم در تلاش بود بین نبوت و خلافت تمایز قائل شده و خلافت را از انحصار خاندان نبوت بیرون بیاورد (غلامی، ۱۳۸۵: ۹۹) تا بتواند پایه‌های خلافت ابوبکر را مستحکم کند، این واژه بار سیاسی پیدا کرد. چون مبانی فکری اهل سنت بر مبنای تقدم عمل بر نظر است، یعنی ابتدا پدیده اجتماعی - سیاسی رخ می‌دهد و سپس مبنای تئوری پیدا می‌کند، شاهد تفاسیر مختلفی از ویژگی، وظایف و اختیارات خلیفه در طول تاریخ هستیم. به گونه‌ای که نه تنها بین خلافت خلفای راشدین تفاوت‌هایی بر شمرده می‌شود، بین خلافت آن‌ها با خلفای اموی و عباسی، و بعداً عثمانی تفاوت‌های ساختاری و ماهوی زیادی وجود دارد که بسیاری از آن‌ها خلفای جور شناخته می‌شوند.

با این حال از نظر تاریخی، اسلام سنی بر پایه خلافت شکل گرفته و خلافت اصلی‌ترین مؤلفه آن در طول ۱۳۰۰ سال بوده است. در قرن نوزدهم ساختار خلافت ترک برداشت چون دنیای جدید مسائلی را مطرح کرد اما نخبگان فکری و سیاسی اسلامی خیلی زود دریافتند که باید همچنان بر محوریت «خلافت» تجدیدنظر صورت گیرد (جعفریان، ۱۳۹۳: ۶۵). هرچند در نهایت این نظام سیاسی غرب بود که بر جهان اسلام مستولی شد لکن نتوانست همه خواسته‌ها و اهداف کشورهای اسلامی و بخصوص اسلام‌گرایان را تأمین نماید. در تمام این مدت، از طرف اسلام‌گراها - از سلفی تند افراطی سنتی سعودی گرفته تا اخوانی با همه ترکیب‌ها و تغییرها - وعده‌هایی داده می‌شد که اساس آن نوعی نگاه نوستالژیک به عصر تمدن اسلامی



بود؛ عصری که بر پاشنه نظام سیاسی خلافت می چرخید.

بر این اساس، برخی از صاحب نظران تاریخ اسلام را به چهار مرحله تقسیم می کنند. مرحله اول، دوران خلافت خلفای راشدین و نمود واقعی از نظام زنده اسلامی است. در مرحله دوم نخستین گسست‌ها بین جامعه و ارزش اسلام بروز کرد و رهبری سیاسی از رهبری فکری جدا شد و تحول حقیقی جامعه به سوی جاهلیت که همان تبدیل خلافت به سلطنت بود، آغاز شد. در مرحله سوم که پس از سقوط خلافت عثمانی آغاز می شود جامعه به کلی از روش و اندیشه اسلامی فاصله گرفت؛ و بالاخره، دوره‌ای که ما اکنون در آن زندگی می کنیم، مرحله چهارم تاریخ اسلام است که گروهی از مردم بازگشت به جامعه اسلامی را سر می دهند می گویند: «ما خواهان بازگشت به بهترین مرحله تاریخ هستیم، روزگار هماهنگی بین جامعه و اسلام، دوره تلاش برای نجات عالم از اندیشه‌های جهل و جاهلیت. ما باید به اسلام خالصی که بشریت چهارده قرن پیش در آن می زیست، بازگردیم» (عدالت نژاد، ۱۳۹۳: ۹۹). و این همان سلف‌گرایی‌ای است که همواره در ذات روش‌شناسی خلافت‌خواهان وجود داشته است؛ بازگشت به اسلام زمان پیامبر و صحابه و تبعیت کردن از ایشان در همه شئون زندگی، تنها راه احیای اسلام تلقی می شود.

این نشان می دهد که اسلام سنی متناسب با معرفت‌شناسی ظاهرگرا-نقل‌گرا و روش‌شناسی گذشته‌گرای خود نمی تواند از نظام سیاسی مطلوب جهان اسلام، یعنی خلافت، درگذرد. سیر تاریخی جهان اهل سنت؛ از خلافت‌های طولانی مدت گرفته تا دولت-ملت‌های نصف و نیمه معاصر متأثر از نفوذ تفکر غربی، نشان می دهد که اسلام سنی به گونه‌ای عناصر و مصادیق خلافت را در خود مستور داشته است. نوع حکومت و اعمال قدرت در کشورهای مسلمان خود گواه مبرهنی بر این مدعاست: شیوه انتخاب حاکمان، اعمال انفرادی حاکمیت، تقلیل نقش [گهگاه مجالس] شورا به مشاوره‌های غیر الزام‌آور و ... همان گونه که در بخش مبادی خلافت‌خواهی بحث خواهیم کرد، همین شرایط خود زمینه‌ساز ظهور خلافت‌خواهی جدید شده است.

## امواج خلافت‌خواهی

با توجه به همین سابقه تاریخی است که می توان دوره‌ها و امواجی از خلافت‌خواهی را در



جهان اسلام سنی ترسیم نمود که یادآور قرینه امواج دموکراسی خواهی (رک: هانتینگتون، ۱۳۷۳: ۲۵-۳۰)، اما در زمینه و آرمان جهان اسلام است. موج اول خلافت، «عصر خلافت علیا» نام دارد که خلفای اموی و عباسی به پایتختی بغداد با اقتدار و شهرت تاریخ ساز شده‌اند. امویان و عباسیان، هر دو، دین را منبع اصلی مشروعیت می‌شمردند (نصری، ۱۳۹۳ الف: ۷۲). پس از فروپاشی خلافت عباسی توسط مغولان مدعیان متعددی سر برآوردند که مهم‌ترین آن‌ها خلفای عباسی مصر بودند تا مدتی برخی از نواحی از خلافت آن‌ها پیروی کردند اما این مسأله تثبیت نشد و حتی در سرزمین هندوستان تیموریان ادعای خلافت کردند (سرافرازی، ۱۳۹۱: ۴۳ و ۵۱). بدین ترتیب این دوره و موج از خلافت خواهی به اتمام رسید.

موج دوم خلافت خواهی حدود ۴۰۰ سال پس از زوال خلافت عباسیان در بغداد و توسط عثمانی‌ها در قسطنطنیه محقق شد. طبیعی است که در دوران فقدان خلافت مقتدر نظام سلطانی بر جهان اسلام مستولی می‌شد که قرابت بیشتری با نظام خلافت دارد. از منظر تاریخی، در شرایطی که سیطره سلجوقیان در آناتولی رو به افول می‌نهاد فرزندی یکی از روسای محلی به نام عثمان، قلمروی جدیدی به تصرف درآورد و عزم فتح بیزانس کرد. این مهم در سال ۱۴۵۳ م توسط سلطان محمد فاتح صورت گرفت. با مقتدر شدن خلافت عثمانی عموم جهان اسلام - از شبه قاره گرفته تا مسلمانان شمال آفریقا - سلطان عثمانی را به عنوان خلیفه کل جهان اسلام به رسمیت شناختند (مسجدجامعی، ۱۳۹۳: ۶۹). در نیمه نخست قرن بیستم با تضعیف و سپس فروپاشی دولت عثمانی و ظهور نوعی احساس سرخوردگی، شکست و تحقیر در میان مسلمانان موج دوم خلافت خواهی به پایان می‌رسد اما به موازات آن اندیشه بازگشت به اسلام راستین در برخی هدف‌گیری‌ها تلاش برای احیای خلافت اسلامی رنگی جدی به خود گرفت (داورپناه، ۱۳۹۳: ۶۷)؛ در کنار آنچه گفته شد، شعارها و اهداف «استعمارستیزی» و «استثمارستیزی» نیز از جمله محرک‌های قوی در شکل‌گیری تلاش‌ها و اقدامات اسلام‌گرایان برای احیای خلافت اسلامی بوده و هست.

در همین راستا، با انحلال خلافت عثمانی به دست مصطفی آتاتورک، نهضت‌های گوناگونی برای احیای آن شکل گرفتند و عمدتاً در حد کار و دغدغه فکری متوقف ماندند. ابتدا امیرعلی هندی و آقاخان رهبر اسماعیلیان با اولین رئیس جمهوری در تاریخ ترکیه مدرن دیدار کردند و خواهان احیای خلافت شدند تا مسلمین از بحران هویت رها شوند. در





ادامه اندیشمندان پر تعدادی در کشورهای مصر (محمد محمود صراف)، بنگلادش (حافظی حضور)، ترکیه (جمال‌الدین رشید کابلان) و سوریه (رشید رضا و ...) از برپایی حکومت اسلامی با توجه به احکام و آموزه‌های دینی سخن گفتند (نصری، ۱۳۹۳ الف: ۷۲). امروزه نیز، جنبش‌های اسلامی با ملامت استعمار، حکومت‌های استبدادی دست‌نشانده، باستان‌گرا و غرب‌زده، بر آن هستند تا آموزه‌های صدر اسلام را احیا کنند. این‌ها معتقدند که راه‌حل، اسلام است و مسئولیت، تشکیل خلافت اسلامی. بازگرداندن خلافت اسلامی از پیامدهای اعتقاد به اندیشه پیروی از سلف صالح است: اندیشه‌ای که بنیاد تفکر جنبش‌های معاصر اهل سنت را تشکیل می‌دهد. از نظر سلفیان جدید خلافت موجب حراست از دین و دنیاست. این امر با اصل «الانقلابیه» که به معنی طرد کامل جوامع جاهلی است تحقق یافتنی است. انقلابیه به معنای ایجاد تغییر در عرصه‌های مختلف زندگی است بنابراین، همه سازمان‌ها و جوامع ملی و بین‌المللی امروزی به دلیل داشتن مبانی غیر اسلامی در حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی و تشریحی، جاهلی شمرده و شایسته طرد تلقی می‌شود (عدالت‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۷۵-۱۷۴).

یکی از جنبش‌های خلافت‌خواه کنونی، در واقع نماینده اصلی موج سوم آن، داعش است. داعش به دنبال اشغال سرزمین و ایجاد کشور مستقل سنی است که از طریق ادراک خشونت‌آمیزی از شریعت اداره شود. همچنین، سعی دارد مرزهای موجود در منطقه را درهم شکند و خود را به عنوان تنها قدرت سیاسی، مذهبی و نظامی در جهان اسلام معرفی کند. بدین ترتیب، داعش پدیده‌ای هویتی است که وظیفه احیای حکومت و امارت اسلامی، و بازسازی شوکت اهل سنت را دارد. معرفت‌شناسی ظاهرگرا و نقل‌گرای، همراه با روش‌شناسی گذشته‌گرای (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۲) آن الگویی از حکومت را می‌طلبد که در گذشته آرمانی جهان اسلام نمود داشته است. برای تبیین این آرمان داعش از یک‌سو، و تحلیل مبادی و پیامدهای موج سوم خلافت‌خواهی از جانب داعش از سوی دیگر، به بررسی نشانه‌شناسی این خلافت‌خواهی می‌پردازیم.

### نشانه‌شناسی خلافت‌خواهی داعش

از آنجایی که داعش برای هویت‌یابی و مشروعیت‌بخشی بر مدعای خود مجبور است شرایط حاضر خود را از امر غایب دو موج قبلی خلافت‌خواهی قیاس کند لذا به نشانه‌ها و



نمادهایی روی آورده است که در ذهن و خاطره اهل سنت ماندگار شده‌اند. به همین دلیل خلافت‌خواهی داعشی‌ها مستلزم تشبه و تمسک به رفتار و اقداماتی است که خلفای مختلف اسلامی در طول تاریخ بدان‌ها عمل کرده‌اند. بنابراین، داعشی‌ها با ابتنا به اسلاف خود جهان را به دو بخش دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کنند؛ با هر کس که همراه آنان نباشند دشمنی می‌کنند و معتقدند که غیر مسلمان را باید از دارالاسلام اخراج کرد و مسلمانان منحرف را از بین برد تا زمینه تحقق حکومت اسلامی فراهم شود و با تعیین خلیفه و استقرار وی در دارالاسلام و بیعت مسلمانان جهان با وی زمینه بازگشت اقتدار و عظمت اسلامی در جهان مانند گذشته فراهم آید (قاسمی، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۲). چنین دیدگاهی از مبانی فکری آن‌ها نشأت می‌گیرد که قرار است در ادامه به نشانه‌های آن پرداخته شود.

## الف: نام و القاب

همان‌گونه که در مبحث نشانه‌شناسی طرح کردیم، استفاده از نشانه‌ها نشان‌گر هویت خاصی است که به کاربرنده آن اعطا می‌نماید و افراد دارنده هویت واحد بدان احساس تعلق می‌کنند. نام و القاب یکی از این نشانه‌ها هستند. بر این اساس، می‌توان نام و القاب مدعی خلافت‌خواه جدید را تحلیل کرد.

ابراهیم عواد ابراهیم‌الدوری سامرای، معروف به «ابوبکر البغدادی القریشی الحسینی» که به اختصار ابوبکر البغدادی شناخته می‌شود از اطلاعات تاریخی خود زیرکانه بهره جسته، و در رأس سپاه داعش، توانست سپاه‌جامگان خود را بسان سپاه سیاه‌پوش ابومسلم خراسانی به پشت دروازه‌های بغداد برساند. چنین اقدامی و همراهی آن با باور قوم‌گرایانه بعثی و ادعای «خلافت اسلامی» آنان یادآور عهد عباسی به اذهان است.

منطق وی در انتخاب نام «ابوبکر» خلیفه نخست، برای پیوند دادن خود به عهد خلافت نخستین اسلامی نزد اهل سنت و جماعت است. «قریشی» دانستن را با هدف مشروعیت دینی بخشیدن به خلافت خود و طرح صلاحیت برای تصدی امور حرمین شریفین مورد بهره‌برداری قرار داده است. سرانجام «حسینی» بودن خود را با توجه به تأثیرگذاری بر شیعیان عراق برگزیده است. اما برخی از پژوهشگران بر این اعتقادند که وی، نقش عبدالله سفاح را در شکل‌گیری خلافت عباسی دارد و با پوششی چندگانه همه را می‌فریبد تا دوران گذار برای



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های بانی جهان اسلام  
جمعیتتوزاسات‌العالم‌الاسلامی

روی کار آمدن خلیفه اصلی را به پایان رساند (غفاری هسجین و علی زاده سیلاب، ۱۳۹۳: ۹۸). همان ترفندی که در شکل‌گیری خلافت عباسی کارساز بوده است. همچنین، انتخاب لقب امیرالمؤمنین از جانب ابوبکرالبغدادی گویای این بینش است که داعش داعی حکومت بر همه مؤمنان است. رمزگشایی این نشانگان بیانگر این است که به غیر از خلیفه داعش بقیه حاکمان سیاسی جهان اسلام نامشروع جلوه داده می‌شوند. این هدف کلان تمامی حاکمان سیاسی مسلمان را به چالش فرامی‌خواند.

### ب: نشان‌ها

داعشی‌ها نمی‌توانند برای هویت‌بخشی به خود تنها به نام و القاب بسنده کنند بنابراین، به لحاظ فرهنگی تلاش می‌کنند عرصه‌ای از تاریخ را به خود متعلق بدانند یا در انحصار خود درآورند. این عرصه به‌طور عام معطوف ظهور دین اسلام و به‌طور خاص از دولت بنی‌عباس در منطقه است. انتخاب دولت بنی‌عباس بنا به دلایل خاصی صورت می‌گیرد؛ زیرا نشانه‌های تاریخی از دولت بنی‌عباس قابل ظهور است: اول، پایتخت بودن بغداد به‌عنوان مرکز خلافت بنی‌عباس که به‌شدت مورد نیاز اهل سنت کنونی عراق است. آنان در حمله آمریکا به عراق، این پایتخت را از دست داده‌اند و از این بابت افسرده‌اند؛ نشانی از اهمیت بغداد برای خلافت عباسی که توسط مغول‌ها سقوط کرد. بنابراین، اگر کسی یا گروهی این شعار را بدهد، اولین کسانی را که جذب خواهد کرد از اهل سنت عراق است و تا اهل سنت عراق و بخصوص ساکنان بغداد با آن‌ها همکاری نکنند امکان شکل‌گیری خلافتی گسترده ممکن نخواهد بود. دوم، وسعت خلافت عباسی به اندازه‌ای بود که سرزمین تحت سلطه داعش را نه تنها پوشش دهد، بلکه این ادعا را در اذهان زنده نگه دارد که می‌توان قلمرو زیادی را بدان افزود؛ کل شام و عراق.

### ج: پرچم

سوم، رنگ سیاه پرچم به مثابه پرچم بنی‌عباس، رنگ افتخار و غرور و هویت‌بخش بدان‌هاست. این رنگ و علامت یادآور غرور دولت پانصد ساله خلفای اسلامی است. بنابراین، همسان‌سازی با بنی‌عباس علاوه بر وجه قدرت‌آفرین آنها، وجه تمایزشان از کردها و شیعیان



عراق است. در عین حال، وجه تمایز آنها از سلفی‌های رادیکال جهادی اموی‌گرا همانند جبهه النصره در سوریه است که شام را پایتخت دولت اموی و گسترش آن را در هویت تاریخی خود تلقی می‌کند. درگیر شدن این دو مدعی در حد جنگ با یکدیگر در سوریه بر مبنای همین وجه تمایز قابل تفسیر است (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۰۳).

چهارم نوع پوشش خلیفه داعشی است که یادآور خلفای عباسی است. نوع خطبه خوانی، برپایی نماز جماعت، تأکید بر اصل بیعت، حد زدن متخلفین، تلاش بر اجرای موازین برداشتی خود از اسلام، امریه معروف و نهی از منکر، و سخت‌گیری بر متخلفین از برداشت‌های داعشی‌ها از اسلام نمونه‌هایی از نشانه‌های خلافت مورد نظر آنهاست.

### د: شاخص‌ها

مهم‌ترین شاخص خلافت‌خواهی داعش تلاش آنها در اثبات اسلامی بودن و پیروی از سلف صالح است. این تلاش را می‌توان در اولین سخنرانی در اعلام خلافت خود مشاهده کرد. اولاً، از خلافت خود تحت عنوان «خلافت اسلامی» یاد می‌کند. ثانیاً، کدهایی را مطرح می‌سازد که از آموزه‌های اسلامی الهام گرفته‌اند. مثلاً، بر این جنبه تأکید می‌کند که در دولت اسلامی عرب‌ها و غیر عرب‌ها، سفیدپوستان و سیاه‌پوستان، شرقی‌ها و غربی‌ها، همه در کنار همدیگر به صورت برادرانه زندگی خواهند کرد. عراق تنها به عراقی‌ها متعلق نبوده، سوریه نیز تنها متعلق به سوری‌ها نیست. سرزمین از آن خداست و همه در آن حق زندگی دارند (غفاری‌هشجین و عزیزاده سیلاب، ۱۳۹۳: ۹۸).

ثالثاً، از تعبیری استفاده می‌گردد که با تعبیر خلیفه اول هم‌خوانی زیادی دارد: «من برای این وظیفه بزرگ و سنگین مورد اعتماد واقع شده‌ام، برای این که پیشوا و امام شما باشم. من بهترین در بین شما نیستم. در همین حال، اگر شما من را فرد لایق می‌بینید باید به من کمک کنید و اگر مرا لایق نمی‌بینید باید به من یاری برسانید تا زمانی که از خدا اطاعت می‌کنم شما باید از من اطاعت کنید و اگر زمانی من از دستورات خدا سرپیچی کردم شما دیگر نباید از من پیروی کنید» (سایت بصیرت، ۹ ددی ۱۳۹۵). این‌ها شبیه بیاناتی است که خلیفه اول هنگام به‌دست گرفتن زمام امور بیان کرد: «اما بعد ای گروه مردم! همانا من فرمانروای شما شده‌ام ولی بهترین شما نیستم. پس اگر دیدید بخوبی رفتار کردم کمکم کنید و اگر بد عمل کردم مرا



به راه راست وادارید. ... تا جایی که من از خدا و رسولش پیروی کنم شما هم از من پیروی کنید، و هرگاه دیدید نافرمانی خدا و رسول او کردم، اطاعت من بر شما لازم نیست» (ابن هشام، ۱۳۴۷: ۴۳۳).

یکی دیگر از شاخص‌ها شرایط مشترک محیطی است؛ هنگامی که خلیفه اول به خلافت نائل آمد، بحران ارتداد سراسر شبه جزیره را فراگرفته بود و به تعبیر حمدالله مستوفی: «چون خبر وفات رسول (ص) منتشر گشت، اعراب بادیه مرتد شدند چنان‌که اسلام در مکه و مدینه بیش نماد» (مستوفی، ۱۳۶۴: ۱۶۸). چنین شرایطی را در سقوط خلافت عباسی و انحلال خلافت عثمانی نیز شاهد بوده‌ایم. داعش نیز با تشبیه دوران فعلی جهان اسلام به شرایط افول اسلام، مسلمانان را به تشکیل خلافت اسلامی فراخوانده و از آنها می‌خواهد قیام کنند و دولت اسلامی عراق و شام بپیوندند.

شاخص دیگر، عمل بر اساس سیره خلفای اولیه و صدر اسلام است؛ مثل تبعیت در رفتار با معارضین، به خرج دادن خشونت به منظور تثبیت قدرت، به اسارت بردن زن و فرزند و فروش آنها به صورت بردگی و ... (غلامی، ۱۳۸۵: ۲۲۲) که در رفتار امروز داعش نمودی خشونت‌باری یافته است (بهارنیوز، ۲ دی ۱۳۹۵). شاخص بعدی، استفاده از جهاد به عنوان ابزار تحقق خلافت است. جهاد ممکن است آشکار یا پنهان، مسلحانه یا غیرمسلحانه به ایجاد حکومت یا خلافت اسلامی کمک کند. داعش جهاد را به هر شکل و وسیله‌ای جایز می‌داند (عدالت نژاد، ۱۳۹۰: ۱۰۰). و بالاخره، بیعت شاخصی است که ریشه در تجربه سیاسی - تاریخی اهل سنت ریشه دوانده است. داعش از این شاخص برای تسخیر شهرهای اصلی تحت سیطره خود بهره زیادی برد. تسخیر فلوجه و موصل بدین گونه بود که ابتدا عملان داعش با اعراب و وعده از روسای قبایل آنها بیعت گرفت تا با کمترین هزینه ممکن بر آنها مسلط شود.

طبیعتاً شاخص‌ها و شانه‌های دیگری از تطابق عمل و شیوه خلافت داعش می‌توان بیان و تبیین نمود که با اعمال خلفای صدر اسلام، خلافت عباسی و عثمانی هم‌خوانی داشته باشد. حتی برخی داعش را نوزاد مینیاتوری خلافت عثمانی می‌دانند (مراد بیگی، ۱۳۹۳: ۱۴). داعش نماینده یک نظام خودساخته معنایی و هویتی است که با اعمال خشونت‌آمیز به دنبال حذف غیر خود است (نبوی و نجات، ۱۳۹۱: ۱۵۲). بدین ترتیب، آنچه که در اولین گام در تأویل این



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association  
جمعية دراسات العالم الإسلامي  
فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش‌های جهانی اسلام

نشانه‌ها نمود می‌یابد هویت سنی مذهبی آن است که به خاطر تقابل تاریخی با شیعیان صبغه ضد شیعی قوی خواهد داشت.

قدر مسلم برخی موارد نشان‌شناختی وجود دارند که قابل تحلیل و بررسی‌اند که هرچند ارتباط مستقیمی با خلفای عباسی ندارد اما در راستای رسیدن به هیبت و عظمت آن، اما با استفاده از شرایط روز است؛ از جمله استفاده از لباس زندانیان گوانتانامو در اعدام و شکنجه اسیران اروپایی، تا نشان دهند که پس از تثبیت قدرت خود به سراغ غریبان و با شیوه خود آنان خواهند رفت. آنچه که از این نشانه‌ها و شاخص‌ها مهم‌تر است مبادی شکل‌گیری داعش و پیامدهای ناشی از ظهور آن است که در ادامه بدان‌ها می‌پردازیم.

### مبادی خلافت‌خواهی داعش

مبدأ و منشأ خلافت‌خواهی، با توجه به نشانه‌شناسی فوق‌الذکر، نمی‌تواند برون‌زا باشد؛ گرچه نمی‌توان منکر تأثیر آن شد. برخی از تحلیل‌گران برآمدن داعش و ادعای تأسیس خلافت اسلامی توسط این گروه را تمام و کمال ساخته و پرداخته نیروهای فرمانطقه‌ای و قدرت‌هایی دانسته‌اند که در این منطقه و در ستیز با اسلام‌گرایی منافع فراوانی دارند. مثلاً بیان می‌گردد که غرب با ایجاد نسل دوم القاعده به نام داعش و جبهه النصره در محیط سوریه و حمایت از آن‌ها تلاش کرد برای القاعده رقیبی را که اهداف متفاوتی دارد برترشد و تضادهای درون‌گروهی این دو جریان را جایگزین تضاد با آمریکا سازد (رویوران، ۱۳۹۳: ۷۳). مارتین گولوف، کارشناس زبده امور خاورمیانه، در رد این تحلیل در روزنامه گاردین بیان می‌دارد: «این‌که گفته می‌شود تشکیل دولت اسلامی [داعش] طرحی غربی است برای نفوذ بیشتر غرب و تسلط کاملش بر جهان عربی-اسلامی، نمی‌توان با قاطعیت تأیید کرد، برای این‌که در حال حاضر می‌بینیم خشونت‌هایی که این شبکه تروریستی انجام می‌دهد در مقام اول علیه مسلمانان است و این نمی‌تواند به سود غربی‌ها در منطقه تمام شود» (به نقل از: سایت دیپلماسی ایران، ۱۸ دی ۱۳۹۵).

اگر نقد گولوف را بپذیریم، پس مبادی و مناشی شکل‌گیری داعش چیست؟ از منظر نشانه‌شناسی که از خلافت‌خواهی داعش ارائه کردیم، عمده تحلیل‌های طرح‌شده بر نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای، و در نتیجه بر عوامل ثانوی و درجه دوم تأکید دارند. از



منظر نشانه‌شناختی، علت اصلی و اولیه خلافت‌خواهی داعش درون جوامع اسلامی نهفته است. نشانه‌شناسی ارائه شده بیان می‌دارد داعش به دنبال انحصار تاریخ و هویتی است که در بطن تجربه تاریخی اهل سنت ریشه دارد. این انحصار زمانی میسور است که توده مردم را برای کسب آن و مشروعیت بخشی به خود از طریق آن اقناع کرد. شیوه و نوع زمامداری حاکمان منطقه این فرصت را فراهم ساخته است. خودکامگی حاکمان، فساد اقتصادی - سیاسی، فقر، بیکاری، وابستگی حاکمان به غرب و غرب‌زدگی و... که همگی معلول ضعف جامعه اسلامی است زمینه‌ساز ظهور داعش شده‌اند. محمودالمشهدانی، رئیس سابق پارلمان عراق، به‌خوبی به زمینه داخلی مساعد عراق در شکل‌گیری داعش اشاره می‌کند: «ظلم و فساد به ایجاد تندروی در عراق کمک کرد و باعث شد که بی‌اعتمادی میان حاکم و محکوم افزایش یابد. این مسأله سبب شد تا طرف سنی بیش از پیش به آغوش افراط متمایل شود» (سایت دیپلماسی ایرانی، ۳۰ آذر ۱۳۹۵). وقتی که افراد رانده‌شده از بافت سیاسی - اجتماعی با پیوستن به داعش دارای منزلت و جایگاه ممتازی خواهد شد، طبیعی است که گرایش بدان افزایش یابد. به عنوان مثال، زنی که توسط داعش اسیر و به‌عنوان برده فروخته شده بود توضیح می‌دهد «مردی که قبل از حمله داعش به‌عنوان کارگر چندین بار به خانه آنها آمده بود، حال در موصل امیر شده است» (سایت مستقل ایران، ۲ دی ۱۳۹۵). ناراضیتی توده مردم از شرایط اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دینی عامل اصلی گرایش جوانان اهل سنت به داعش است. بدیهی است که قدرت‌های بزرگ از این فرصت پیش‌آمده استفاده کنند تا راحت‌تر به منافع خود برسند.

داعش با تمسک به نمادها، نشانه‌ها و شاخص‌های خلافت اسلامی نه تنها از افراد ناراضی درون جوامع اسلامی نیرو جذب می‌کند بلکه با همین ترفند مهاجران مسلمان و طرفداران خود را در کشورهای غیر اسلامی سراسر جهان برای پیوستن به دارالاسلام تشویق می‌کند. البته، اصل بیعت بر گسترش سرزمینی (شیوه‌ای که در تسخیر مناطق مختلف عراق ناساز بوده است) و انسانی آن نقش بسزایی داشته است. به این ترتیب، داعش صرفاً به این دلیل برای مسلمانان اروپایی جذاب نیست که به آنها کمک می‌کند دیگر فقیر نباشند، بلکه به این دلیل برای آنها جذاب است که جایگزینی جذاب و معنادار در مقابل زندگی توأم با رفاه مادی و امنیت اقتصادی را برای آنها پیش می‌نهد. همین تصورات و تفکرات و تلاش برای رسیدن



به مفهومی بزرگ‌تر از زندگی است که قلب جوانان اروپایی را برای پیوستن به داعش به تپش وامی‌دارد (GOBAL POST, 24 APRIL 2015). در مجموع، با تقدم شرایط داخلی جهان اسلام بر عامل بیرونی (نقش قدرت‌های بزرگ) می‌توان به این مبادی در شکل‌گیری خلافت‌خواهی انگشت گذاشت:

- قطبی شدن جوامع اسلامی در راستای خطوط فرهنگی و گسست اجتماعی ناشی از حضور اندیشه‌های بیگانه و بعضاً دین‌ستیز غربی؛
- به حاشیه رانده شدن شدید عناصر سنتی و فرهنگی جوامع اسلامی که عمدتاً توسط دولت‌ها با اعمال قوه قهریه انجام شده بود؛
- شکست‌های پی‌درپی روحی و حیثیتی جوامع اسلامی و نیز شکاف طبقاتی و حاشیه‌نشینی؛
- تلاش مسلمانان سنی برای دگرگونی موازنه قدرت درون جوامع اسلامی؛ و

با توجه به پتانسیل‌های فکری و عقیدتی موجود در این جریان در گسترش جنگ فرقه‌ای در جهان اسلام، غرب نقش حمایتی و تقویت این جریان را در راستای منافع خود داشته و دارد (قاسمی، ۱۳۹۳: ۶۳).

بدین ترتیب، پیش‌فرض داعش بر این مبنا استوار است که مشکلات و عقب‌ماندگی‌ها و نیز حضور کشورهای غربی در منطقه ریشه داخلی دارد و اگر کشورهای اسلامی دچار انحطاط داخلی نمی‌شدند شاهد این اتفاقات و تهدیدات از سوی بلاد غربی نمی‌شد. بنابراین برای حل معضلات داخلی می‌بایست نگاه به درون داشت و مسایل داخلی را آسیب‌شناسی کرد. از نظر آن‌ها مشکل کشورها و متفکران اسلامی این است که از اسلام اصیل و سلف صالح فاصله گرفته و به فرق متعدد تبدیل شده‌اند؛ حتی فرق مهم اهل سنت هم به بی‌راهه رفته و از اصل اسلام دور افتاده‌اند. بدین‌سان اگر کشورهای اسلامی و مسلمانان بخواهند به عظمت و شوکت خود بازگردند می‌بایست به وحدت اولیه برگردند: وحدت در قالب خلافت واحد. مراد از وحدت نیز این است که همگی به نص رجوع کنند و تقلیدگرایی را کنار گذاشته و به اسلام اصیل (مورد نظر داعش) عمل نمایند. لذا این‌ها در صدد از بین بردن همه فرق و مذاهب و یکسان‌سازی هستند و در این مسئله تفاوتی بین فرق شیعه و سنی نیست و در نتیجه در مقابل هم فرق شیعه و هم فرق سنی قرار می‌گیرند.





اما طبیعی است که داعش بنا به مبانی فکری خود اولین عامل انحراف را شیعیان تلقی کرده و با صفوی خواندن آن از منظر روانی ذهنیت تقابل تاریخی شیعه و سنی را زنده کند و از منظر اجتماعی - سیاسی با مشروعیت بخشی به خود حامیان مالی، سیاسی و جهادگر جذب کند. داعش همچنین با نمادسازی از خلافت عباسی در صدد است تا ضمن تداعی قدرت اهل سنت، از عاملان اصلی سقوط آن یعنی شیعیان انتقام بگیرد. اگر چنین مبادی و مناشی را در شکل گیری داعش بپذیریم، پیامدهای دعوی خلافت خواهی جدید متفاوت و تأمل برانگیز خواهد بود که در ذیل بدان می پردازیم.

### پیامدهای خلافت خواهی داعش

مبادی فوق الذکر پیامدهای ویژه ای را در پی خواهد داشت. اول از همه شیعه ستیز بودن آن است. داعش در عرصه نظر دشمنان اصلی خود را مشرک (غیرمسلمان) و منحرف (مسلمان بدعت گر) می داند و اولویت خود را بر مبارزه با انحراف داخلی قرار داده است. داعش با این پیش فرض، در ساحت عمل نیز دوگانه عدو القریب و عدو البعید را طرح می کند. بدین معنا که مسلمانان دشمن دور و دشمن نزدیک دارند. مراد از دشمن بعید غرب و تمدن غرب است که در حال حاضر در اولویت نیستند در حالی که اولویت اصلی دشمن دیگری است که در دسترس است و خطرات بیشتری برای اسلام و مسلمانان دارد؛ و آن مذهب شیعه و در رأس آن نظام جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، هدف کانونی داعش، تشیع است؛ آنها به جای آزادسازی قدس به دنبال آزادسازی بغداد هستند (فیرحی، ۱۳۹۳: ۱۰۱) که امروزه تحت کنترل شیعیان است. چنین اولویت بندی دو پیامد کاملاً متناقض برای ایران خواهد داشت که یکی منفی و آن دیگری مثبت است: از یک طرف، هزینه های مالی و امنیتی زیادی را به ایران تحمیل خواهد کرد چرا که ایران به عنوان قطب اصلی تشیع بایستی با این گروه افراطی بپردازد. اما، از طرف دیگر، به خاطر ذات و شیوه خشونت بار رفتار و اعمال آموزه های اسلام این فرصت را در اختیار جمهوری اسلامی قرار می دهد که چهره رئوف و رحمانی اسلام شیعی را به جهان بشناساند (میرزا زاده، ۱۳۹۲: ۲۰۷). ممکن است همین چهره خشن خلافت داعشی ها را خلافتی شدیداً مستعجل کند.

پیامد دیگر، و شاید اصلی، خلافت خواهی داعش که بر مبنای تحلیل های قبلی قابل ارزیابی



فصلنامه علمی - پژوهشی  
پژوهش های یاسی جهان اسلام

است جذب نیروهای جوان و رادیکال از جوامع اسلامی است. کاستلز بر این باور است که ظهور جریان‌های اسلام‌گرا و به ویژه بنیادگرا از مسائل بحران هویت ناشی شده است. در واقع، ریشه‌های اجتماعی بنیادگرایی را ناشی از ناتوانی اقتصاد این کشورها در تطابق با شرایط نوین جهانی، انقلاب تکنولوژیک و در نتیجه ناکام ماندن جمعیت جوان و شهری از موج نوسازی می‌داند (نظری و قنبری، ۱۳۹۳: ۱۷۴). با این وصف، در صورتی که صحبت‌های علی‌النعیمی وزیر نفت عربستان صحت داشته باشد که گفته بود «قیمت نفت به ۲۰ دلار در هر بشکه خواهد رسید»، عملیات جذب جوانان سعودی به داعش رشد خواهد یافت؛ به خصوص زمانی که «نرخ بیکاری جوانان عربستان هم‌اکنون به ۳۰ درصد رسیده است» (سایت تسنیم، ۱۶ دی ۱۳۹۵). بدین ترتیب، ضعف و سوء مدیریت حاکمان عربستان نه تنها به ظهور داعش کمک کرده بلکه تداوم آن را تقویت می‌کند. غافل از این‌که ادبیات داعش تأکید دارد که هدف نخست آن‌ها سیطره بر حجاز و اعلام کردن مدینه یا مکه به عنوان پایتخت حکومت داعش است که قصد دارد سیطره خود را بر مناطقی از چین تا وین و ورای آن گسترش دهد. داعش، در این شرایط نابسامان کشورهای اسلامی، به خوبی فهمیده که چگونه می‌تواند از پتانسیل آرمان‌خواهی اهل سنت برای تقویت خود بهره‌برد. به همین خاطر است که گرایش جوانان سنی مذهب به داعش در حال افزایش است.

داعش را باید مجموعه پیچیده‌ای دانست که با خطوط سرویس‌های اطلاعاتی عربستان و اسرائیل فعالیت دارند و هدف اصلی، مقابله با تقاطع شیعه و ایران است (جعفری و بهرامی خوشکار، ۱۳۹۳: ۳۳). نشریه «دابق»<sup>۱</sup> - نشریه مختص داعش - استراتژی خلافت‌خواهی داعش را ترسیم کرده است که اگر تثبیت شود و تقویت گردد پیامدهای زیادی را در پی خواهد داشت. این نشریه با تمرکز بر روی مفهوم «بازگشت خلافت» در صدد القای وقوع رخدادی استراتژیک است. همچنین به جای تمهید نظری و ترغیب عمل افراد، مجموعه‌ای از افق‌های دینی، نظامی و سیاسی را ترسیم می‌کند و بدون آن‌که به تجویز حذف دیگری بپردازد سودای نظام‌سازی و تثبیت مواضع در روی زمین را دارد (نصری، ۱۳۹۳: ب: ۱۰۲). این نشان می‌دهد که آنها برنامه طول و درازی را برای آینده جهان اسلام ترسیم کرده‌اند. به همین دلیل نیز هست که از مسلمانان خواسته می‌شود «به‌جای اقدام خطرناک علیه غربی‌ها، هر چه در



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش‌های باسی جهان اسلام

توان دارند شالوده خلافت را پی‌ریزی نموده و برای حمایت از دولت اسلامی به متصرفات داعش مهاجرت نمایند؛ سیاستی که یهودی‌های صهیونیست از آن بهره بردند. داعشی‌ها با سیاست تثبیت قدرت اهداف بزرگ‌تری را در پیش دارند. نه تنها اسرائیل دشمن آنهاست بلکه آمریکا نیز در ردیف دشمنان اصلی قرار دارد. اگر علیه آن‌ها اقدامی نمی‌دهند به این دلیل است که «هنوز خود را در امور جهانی، نظیر غزه، یا اعراب - اسرائیل درگیر نمی‌کند بلکه بر عکس، بر پیشروی در مناطق شامات و بین‌النهرین تمرکز خواهد نمود تا از این طریق بتواند در مرحله اول با توجیه دینی، طرفداران و رزمندگان بیشتری جذب نموده و سرزمین‌های بیشتری را به مناطق فعلی خود اضافه کند» (همان: ۱۰۸).

اما اگر داعش واقعاً مخالف آمریکا، اسرائیل و حتی عربستان است، پس چرا این کشورها با این دشمن بالقوه همکاری می‌کنند؟ جواب ساده است: این همکاری‌ها تاکتیکی و موقتی‌اند. همان‌گونه که آمریکا زمانی با مجاهدین افغانستان علیه شوروی همکاری داشت اما به محض رسیدن به هدف به دشمنی با آن‌ها پرداخت، این استراتژی در مورد داعش هم صدق خواهد کرد. قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به داعش نیاز دارند تا در برابر نفوذ و سیاست‌های منطقه‌ای ایران از آن استفاده کنند. داعش از نظر اسرائیل می‌تواند قرینه‌ای از حزب‌الله لبنان، و از نظر عربستان قرینه انصار الله یمن، برای فشار بر ایران تلقی شود. همان‌گونه که ایران از ظرفیت اسرائیل حزب‌الله یا عربستان ستیزی انصار الله استفاده می‌کند، آن‌ها نیز از ظرفیت شیعه‌ستیزی داعش بهره‌برداری می‌کنند. بدین ترتیب، داعش ساخته و پرداخته این قدرت‌ها نیست، بلکه ساخته و پرداخته محیط داخلی جهان اسلام است که توسط این قدرت‌ها حمایت و تقویت می‌شود. مسلماً داعش و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با یکدیگر تعامل و همکاری داشته باشند؛ و طبیعتاً این همکاری موقتی و تاکتیکی خواهد بود. به این نحو که داعش از منابع مالی و تسلیحاتی آن‌ها بهره بگیرد و آن‌ها نیز از قدرت تخریبی داعش برای الف: تخریب چهره اسلام و در نتیجه اسلام‌هراسی، و ب: اعمال فشار و تهدید بر شیعیان و ایران. غافل از این‌که همین دشمن بالقوه در نهایت علیه خود آنها نیز وارد عمل خواهد شد. چنانچه هم عربستان را تهدید کرده و در قبال اسرائیل و موضوع فلسطین به صراحت اعلام کرده است که «عمل و اقدام عملی است که موانع را از پیش برمی‌دارد نه سخن گفتن ریاکارانه [طعن به کشورهای عربی]. ما در مرحله اول هر مرتدی را که مانعی بر سر راه رسیدن به



فلسطین باشد درهم خواهیم کوبید و مسلمانان باید منتظر زمان باشند و شکیبایی پیشه کنند تا دولت اسلامی با نابودی مرتدها، ابتدا محدوده سرزمینی خود را ترسیم و قدرت خود را تثبیت کند و پس از حصول این اهداف فوری و نزدیک، به سوی بیت المقدس روانه خواهد شد» (همان). بدین ترتیب، پیامد دیگر خلافت خواهی داعش، تلاش برای تسلط بر کل جهان اسلام است؛ حتی کشورهای مسلمانی که در حال حاضر به تقویت داعش می اندیشند.

پیامد دیگر تأثیر منفی خلافت خواهی بر نظام سیاسی جمهوری اسلامی است. دولت اسلامی مورد نظر داعش نه تنها روند دموکراتیک عراق را به مخاطره می اندازد که مورد حمایت ایران است، بلکه بدیلی را از نظام سیاسی ارائه می دهد که در ذات و بطن جهان اسلام ریشه دوانده اما منسوخ شده است. در شرایطی که اخوان المسلمین نتوانستند، لااقل به خاطر حاکمیت نظامیان در مصر موفق نشدند، نظام سیاسی مدرنی را از اسلام مورد نظر خود ارائه دهند، اگر دولت اسلامی بتواند به مرحله تثبیت قدرت برسد نظام سیاسی خلافت خواهی به عنوان بدیلی برای نظام جمهوری اسلامی وارد عمل شده و می تواند جایگاه منطقه ای و جهانی آن را به مخاطره بیاندازد.

در نهایت، چنین پیامدهای خلافت خواهی داعش نه تنها برای ایران پرهزینه خواهد بود، بلکه چهره ای خشن و نامناسب از جهان ارائه کرده و جامعه اسلامی را به انحرافی دوچندان رهنمون خواهد شد.



انجمن مطالعات جهان اسلام  
Islamic World Studies Association

جمعية دراسات العالم الإسلامي

فصلنامه علمی - پژوهشی

پژوهش های بانی جهان اسلام

## نتیجه گیری

جهان اسلام به دلیل قرار گرفتن در شرایط اضطرار، بی‌قراری و عدم ثبات تمدنی، مستعد کشش‌ها و کوشش‌های سیاسی است. این کشش و کوشش‌ها با ضربات و صدماتی که از جهان غرب وارد می‌شود پیچیده‌تر شده است. شاید به همین دلیل است که در پیدایش و نفوذ داعش نقش آنها برجسته دیده می‌شود. این در حالی است که خلافت‌خواهی جزء عقبه و ذاتی تاریخ جهان اسلام است. این تحقیق نیز تلاش داشت تا از منظر نشانه‌شناسی خلافت‌خواهی داعش نشان دهد که مشکل از خود و درون جامعه اسلامی است. بایستی راه‌حل درونی نیز پیدا کند. دو راه‌حل را می‌توان در نظر گرفت: یکی رسیدن به آگاهی واقعی از دین اسلام و درک شرایط و زمانه است که تومان می‌تواند جهان اسلام را از این شرایط خطرناک رها سازد. نه اسلام دینی است که داعش وجه خشنی از آن اعمال می‌کند و نه زمان، دوره بازگرداندن خلافت، چون با زور و تزویر نمی‌توان امت واحده تشکیل داد. و دیگری، تغییرات اساسی در شیوه حکومت و جلب رضایت شهروندان و بخصوص جوانان در کشورهای اسلامی است. پیامدهای تثبیت و تقویت احتمالی دولت اسلامی مورد نظر داعش، گرچه دامن نه تنها جهان اسلام، بلکه کل دنیا را فراخواهد گرفت اما به خاطر ماهیت شیعه ستیزی‌اش بیشترین هزینه را به ایران خواهد کرد. در مقابل ذات خشونت‌گرای داعش این احتمال را پیش می‌نهد که ایران بعد از توافق هسته‌ای بتواند با همکاری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از تثبیت قدرت آن جلوگیری کند؛ به‌خصوص که اگر بپذیریم تقویت داعش از جانب این قدرت‌ها برای مقابله با قدرت و نفوذ ایران بوده است. طبیعی است که ایالات متحده و برخی از کشورهای منطقه از تقویت بیشتر داعش احساس خطر کرده و به دنبال یافتن راه‌حلی عاجل برای کنترل آن باشند. بدین ترتیب، نشانه‌شناسی خلافت‌خواهی داعش نشان می‌دهد که چون داعش در آینده برای کل جهان دردسرساز خواهد شد بهتر است از هم‌اکنون کنترل گردد.



## کتابنامه

- ابن هشام، ابو محمد عبدالملک (۱۳۴۷). *زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام*، ترجمه سیره النبویه، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: کتاب فروشی اسلامیه.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۹). «نشانه شناسی؛ نظریه و روش»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره چهارم. پائیز.
- جابری، محمدعابد (۱۳۸۹). *نقد عقل عربی*، ترجمه سید محمد آل مهدی، تهران: نسل آفتاب.
- جعفری، حسن و محمد بهرامی خوشکار (۱۳۹۳). «جریان شناسی گروه های تکفیری انحرافی در اسلام»، *فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام*، سال چهارم، شماره سوم، پائیز.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳). «راه نجات: داعش اجرای شریعت را از طریق توسل به خلافت ممکن می داند»، *ماهنامه مهرنامه*، شماره ۳۷، شهریور.
- چندلر، دانیل (۱۳۹۴). *مبانی نشانه شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سوره مهر.
- داورپناه، افشین (۱۳۹۳). «اندر مصائب یک خلافت»، *ماهنامه مهرنامه*، شماره ۳۷، شهریور.
- رویوران، حسین (۱۳۹۳). «داعش: ریشه ها و کارکردها»، *یاسدار اسلام*، شماره ۳۹۴-۳۹۳، آبان و آذر.
- سرافرازی، عباس (۱۳۹۱). «خلافت تیموریان هند»، *پژوهش نامه تاریخ*، شماره ۲۶، بهار.
- عباسی، محمود (۱۳۹۳). «سنخ شناسی داعش»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۲، تابستان.
- عدالت نژاد، سعید (۱۳۹۰). «سلفی های تکفیری یا جهادیون»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، شماره ۱۳.
- عدالت نژاد، سعید (۱۳۹۳). «امتناع تاریخی بازگشت به دوران خلافت»، *ماهنامه مهرنامه*، شماره ۳۷، شهریور.
- غفاری هنجین، زاهد و قدسی عزیزاده سیلاب (۱۳۹۳). «مولفه های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی داعش)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال سوم، شماره ۱۱، پائیز.
- غلامی، یوسف (۱۳۸۵). *پس از غروب؛ تحلیل رخداد های پس از رحلت پیامبر (ص) تا پایان عصر سومین زمامدار*، قم: نجم الهدی.
- فیرحی، داود (۱۳۹۳). «استراتژی فکری نوسلفی ها چیست؟ آزادسازی بغداد به جای آزادسازی قدس»، *ماهنامه مهرنامه*، شماره ۳۷، شهریور.
- قاسمی، مصطفی (۱۳۹۳). «گروه های سلفی تکفیری - جهادی در شمال آفریقا و آینده پیش رو»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۵۸، تابستان.
- گیرو، پییر (۱۳۹۲). *نشانه شناسی*، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر آگه.
- مرادیگی، عبدالله (۱۳۹۳). «داعش؛ نوزاد مینیاتوری امپراتوری عثمانی»، *نشریه خواندنی*، شماره ۸۴، آذر-دی.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). *تاریخ گزیده*، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- مسجدجامعی، محمد (۱۳۹۳). «خلافت، شاه کلید تئوری بنیادگرایان است»، *ماهنامه مهرنامه*، شماره ۳۷، شهریور.
- میرزازاده، فرامرز (۱۳۹۲). «دورنمای چالش های هویتی برآمده از تحولات اخیر خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست*



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش های پای جهان اسلام

۵۰

سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴

جهانی، شماره چهارم، زمستان.

نبوی، سید عبدالامیر و سیدعلی نجات (۱۳۹۳). «جریان‌شناسی گروه‌های نوسلفی بر اساس تحلیل گفتمان»،

فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان.

نصری، قدیر (۱۳۹۳ الف). «موج سوم خلافت‌خواهی»، ماهنامه مهرنامه، شماره ۳۷، شهریور.

نصری، قدیر (۱۳۹۳ ب). «رهنامه داعش و رهنامه مهار آن»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره

۵۹، پائیز.

نظری، علی‌اشرف و لقمان قنبری (۱۳۹۳). «شکاف‌های فرهنگی و منازعات ایدئولوژیک در کشورهای

عرب خاورمیانه با تاکید بر تحولات سیاسی ۲۰۱۴-۲۰۱۰»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام،

سال چهارم، شماره چهارم، زمستان.

یوهانسون، یورگن دنیس و سوند اریک لارسن (۱۳۸۸). نشانه‌شناسی چیست؟، ترجمه علی میرعمادی،

تهران: نشر ورجاوند.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۳). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه احمد شهسا، تهران: روزنه.

همرشتینگل، ورنر (۱۳۹۲). «پیشینه نشانه‌شناسی»، کتاب ماه هنر، ترجمه مسعود فرهمندفر، شماره ۱۸۴،

پائیز.

Cornin, k. Andrey (2015), "ISIS is not a Terrorist Group, Why Counter Terrorism Won't Stop the Latest Jihadist Threat", Foreign Affairs, April.

Philips, Timothy and Nir Eisikovits(2015), "For Some Muslim Youth, Islamic Stat's Allure is A Meaningful Alternative to Western Values" Global Post, 24 April.

www.baharnews.ir(02/09/1395).

www.irdiplomacy.ir(18/10/1395) و (30/ 9/1395).

www.tasnimnews.com(16/10/1395).

به این مقاله این‌گونه استناد کنید:

میرزا زاده، فرامرز (۱۳۹۴)، «نشانه‌شناسی موج سوم خلافت‌خواهی: مبادی و پیامدها» فصلنامه پژوهش‌های

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۵۰۲۰۱

سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۲، تابستان ۹۴، صص ۲۹-۵۱.



فصلنامه علمی-پژوهشی  
پژوهش‌های جهانی اسلامی